



Situational Prevention of Drug Production in Afghanistan

Abdul Karim Eskandari*

Abstract

For the production and cultivation of drugs, the simultaneous and fulfillment of the three elements of the perpetrator with the motivation, skills and tools necessary to commit the crime and the existence of an unprotected target are necessary. Not all potential criminals can be identified so that their desire and motivation for committing the crime of drug trafficking, and especially its production and cultivation, can be tried, suppressed and punished. It is also impossible to prohibit all the tools and means of committing a crime in practice. Therefore, the only way to fight is to reduce the opportunities for criminals to commit a crime, which is referred to in the criminology literature as “situational prevention”. The present study is based on a descriptive-analytical method and is based on library sources. The findings of the present study show that the guidelines for the prevention, prohibition and punishment of drug trafficking in national and international documents have given priority to preventive responses and the Afghan legislator has prescribed examples of social, situational and criminal prevention in this regard. Measures to control the activities of drug traffickers regarding the production, distribution and export of drugs, the prohibition of any type of cooperation with drug producers and traffickers, changing the location of land under drug cultivation to useful plants, the establishment of a ministry, a special court and a high commission for combating narcotics are among the results of this investigation into the situational preventive measures against drug trafficking and production.

Keywords: Situational prevention, drug production, anti-drug law, principles of criminalization.

* Academic Staff, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Khatam al-Nabieen University (PBUH), Kabul, Afghanistan
Email: skandari12@gmail.com



پیشگیری وضعی از تولید مواد مخدر در افغانستان

عبدالکریم اسکندری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۵

چکیده

برای تولید و کشت مواد مخدر، هم‌زمانی و تحقق سه رکن مرتکب با انگیزه، مهارت و ابزار لازم برای ارتکاب جرم و وجود يك آماج محافظت نشده ضروری است. تمام مجرمان بالقوه، قابل شناسایی نیستند تا تمایل و انگیزه آنها برای ارتکاب جرم قاچاق مواد مخدر و به‌ویژه تولید و زرع آن قابل محاکمه، سرکوب و کیفر باشد. ممنوع کردن تمامی ابزار و وسایل ارتکاب جرم نیز در عمل غیرممکن است. از این‌رو، تنها راه مبارزه، تقلیل موقعیت‌های ارتکاب جرم برای مجرمان است که در ادبیات جرم‌شناسی، تحت عنوان «پیشگیری وضعی» از آن یاد می‌شود. تحقیق حاضر براساس روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد دستورالعمل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق مواد مخدر در اسناد ملی و بین‌المللی، اولویت را به پاسخ‌های پیشگیرانه داده و قانون‌گذار افغانستان با توجه به همین موضوع مصادیقی از پیشگیری‌های اجتماعی، وضعی و پیشگیری کیفری را مقرر کرده است. تدابیر کنترلی فعالیت‌های قاچاقچیان مواد مخدر در مورد تولید، توزیع و صدور مواد مخدر، ممنوعیت هر نوع همکاری با تولیدکنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر، تغییر موقعیت اراضی تحت کشت مواد مخدر به نباتات مفیده، تأسیس وزارتخانه، محکمه اختصاصی و کمیسیون عالی مبارزه با مواد مخدر را از جمله نتایج این تحقیق در خصوص تدابیر پیشگیرانه وضعی از قاچاق و تولید مواد مخدر می‌توان ذکر کرد. هدف از تحقیق تحلیل و ارزیابی پیشگیری وضعی از تولید مواد مخدر است.

واژگان کلیدی: پیشگیری وضعی، تولید مواد مخدر، قانون مبارزه با مواد مخدر، مبانی جرم‌انگاری.

* کدر علمی دیپارتمنت حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خاتم النبیین (ص)، کابل، افغانستان

ایمیل: skandari12@gmail.com

اصطلاح پیشگیری از جرم در معنای وسیع خود شامل اقدامات کیفری و غیرکیفری برای خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری می‌شود؛ ولی در مفهوم مضیق، پیشگیری فقط تدابیر غیرجزای را شامل می‌شود. با وجود اقبال دولت‌ها از پیشگیری کیفری و سرکوبگرانه، در عمل مشاهده می‌شود که با اِعمال این روش نیز هر روز آمار جرائم به‌ویژه جرائم مرتبط به مواد مخدر مانند کشت، فرآیند توزیع، قاچاق و استعمال مواد مخدر سیر صعودی پیدا کرده و افراد فراوان قربانی این‌گونه جرائم واقع می‌شوند. هرچند جرائم مرتبط به مواد مخدر یک معضل جهانی است و کم‌وبیش تمامی کشورها را به خود درگیر نموده است، اما تولید مواد مخدر و جرائم وابسته به آن در افغانستان، بیش از هر کشور دیگر به‌عنوان یک بحران مطرح بوده و نگرانی جامعه ملل از تبدیل شدن افغانستان به مراکز تولید مواد مخدر را فراهم کرده است. حاکمان افغانستان با حمایت جامعه بین‌الملل و مؤسسات مبارزه با مواد مخدر تلاش‌های زیادی را در جهت جلوگیری از تولید مواد مخدر و سایر جرائم مرتبط با آن مبذول داشته‌اند؛ از وضع و تصویب قوانین مبارزه با مواد مخدر گرفته تا تأسیس وزارتخانه مبارزه با مواد مخدر، تشکیل کمیسیون عالی مبارزه با مواد مخدر و محکمه اختصاصی رسیدگی به جرائم مواد مخدر.

بررسی سیاست جنایی افغانستان در قبال پیشگیری از مواد مخدر، بنا به دلایلی مانند تمویل گروه‌های تروریستی و همکاری آنان با قاچاقچیان مواد مخدر و عدم کنترل دولت بر اراضی تحت کشت و زرع مواد مخدر، ناتوانی و ضعف دولت قبلی در امر مبارزه با مواد مخدر را نشان می‌داد. به اعتراف گزار شگران بین‌المللی و مشاهدات عینی، امارت اسلامی در مقایسه با دوره جمهوریت در امر مبارزه با مواد مخدر و امحای کشت، زرع و قاچاق آن موفق بوده است؛^۱ اما درعین حال تولید مواد مخدر و جرائم مرتبط با آن از افغانستان به‌طورکامل حذف نشده است. مطالعات جرم‌شناسان ثابت کرده است که پیشگیری کیفری به‌تنهایی در امر مبارزه با جرم به‌ویژه جرائم سازمان‌یافته مانند جرائم مواد مخدر مؤثر نبوده

^۱ به نقل از: خبرگزاری صدای افغان (آوا) روزنامه انگلیسی تلگراف در گزارشی نوشته است که امارت اسلامی «موفق‌ترین مبارزه با مواد مخدر در تاریخ بشر» را اجرا کرده است. همچنین، این روزنامه افزوده که کشت مواد مخدر در افغانستان حدود ۸۰ درصد کاهش یافته است (تاریخ انتشار یکشنبه ۱۱ سرطان ۱۴۰۲).



است و در کنار استفاده از ابزارهای جزایی لازم، به کارگیری دیگر تدابیر به ویژه پیشگیری اصلاحی و وضعی امری اجتناب ناپذیر است.

گفتنی است جرائم مرتبط با مواد مخدر به ویژه تولید آن با جرائم سازمان یافته رابطه نزدیک دارد و از این رو، امروزه مواد مخدر یکی از مصادیق بارز جرائم سازمان یافته محسوب می شود؛ زیرا این جرائم، نوعاً توسط گروه ها و سازمان هایی ارتکاب می یابند که دارای تشکیلات گسترده، پیچیده، بنیه مالی قوی و غالباً قدرت نفوذ در ارکان حکومت ها هستند. به دیگر سخن، مرتکبان این جرائم، نه افراد بی بضاعت و نیازمند، بلکه سازمان هایی قدرتمند هستند که دارایی آنها گاه چندین برابر بودجه سالانه برخی کشورهاست.

در مورد جلوگیری از مواد مخدر در افغانستان تحقیقات پراکنده صورت گرفته و مقالاتی منتشر شده است؛ از جمله مقاله حبیبی (۱۳۹۷) تحت عنوان سیاست جنایی افغانستان در قبال مواد مخدر که همان گونه که از عنوان مقاله پیداست، سیاست جنایی یک موضوع بسیار کلی است و شامل سیاست های تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی می شود و در ضمن نویسنده تمرکز روی یکی از جرائم مواد مخدر نداشته و تمام آنها را از منظر سیاست جنایی به طور عام مطرح نموده است. مقاله دیگر از فیروزی (۱۴۰۱) تحت عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به مواد مخدر در بین جوانان شهر کابل است که این تحقیق متمرکز بر عوامل اجتماعی مواد مخدر است و به صورت مستقیم به پیشگیری از تولید مواد مخدر نپرداخته است.

مقاله پیش رو تلاشی است در جهت استفاده از ابزار وضعی پیشگیرانه از تولید مواد مخدر در افغانستان و می خواهد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که پیشگیری وضعی چه نقش در جلوگیری از تولید مواد مخدر در افغانستان دارد؟ و اینکه قانون گذار افغانستان به کدام یک از سازوکارهای پیشگیری وضعی از تولید مواد مخدر توجه کرده است؟ در این پژوهش، ضمن تبیین واژگان تحقیق، به مجموعه ابزار پیشگیرانه وضعی پرداخته می شود که از منظر سیاست جنایی می تواند آماج های جرم را پرخطر کند و موقعیت های مجرمانه را تغییر دهد. قبل از بررسی شیوه های پیشگیرانه وضعی مرتبط با تولید مواد مخدر و جرائم وابسته به آن، به بررسی مفاهیم کلیدی تحقیق و مبانی نظری مبارزه با تولید مواد مخدر پرداخته می شود.

الف) بررسی مفاهیم تحقیق

۱. تعریف مواد مخدر

مواد مخدر شامل ترکیباتی است که موجب تغییر در کارکرد مغز به صورت ایجاد حالات هیجانی، رفتارهای نابهنجار، عصبانیت یا اختلال در قضاوت و شعور فرد می شود (محبوبی منش، ۱۳۸۲، ص ۷۰). مواد مخدر را براساس تأثیری که بر سیستم مغز و عصب می گذارد، بر سه دسته تقسیم کرده اند: الف) محرک ها: این گونه مواد شامل کوکائین، کراک، کافین، نیکوتین، و آمفتامین ها می شود که سیستم عصب و مغز مصرف کننده را تحریک می کند... مصرف کننده این گونه مواد در کوتاه مدت احساس هوشیاری، هیجان، و فرونشستن خستگی می کند؛ ب) کندکننده ها: این گونه مواد که شامل الکل و مواد افیونی مانند تریاک، هروین، مرفین و آسپرین است، سبب کاهش فعالیت های مغزی و عصبی مصرف کننده می شود و طبعاً تأثیراتی شل کننده بر عضلات می گذارد. با مصرف این گونه مواد مصرف کننده حالت فراموشی از ترس، اضطراب و استرس پیدا می کند؛ ج) مواد توهم زا: این گونه مواد شامل (LSD) و اکستازی است که فعالیت عصبی را مختل کرده و درک مصرف کننده را از شرایط و حالات موجود منحرف می کند و سبب اختلال فکری مصرف کننده می شود (سروستانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰).

در حقوق جزای افغانستان در تعریف مواد مخدر آمده است: «مواد مخدر به مفهوم این قانون، عبارت از موادی است که استعمال آن اعتیاد را بار می آورد، تشویشات فکری، عصبی و انحطاط اخلاقی ایجاد می کند و سبب بروز امراض صعب العلاج می شود یا موجب بروز مشکلات صحتی و اجتماعی در جامعه می گردد» (قانون مبارزه با مواد مخدر، ماده ۳). مواد مخدر دارای یک معنای عام و یک معنای خاص است. مواد مخدر در معنای عام به موادی گفته می شود که سبب حالتی متضاد با حالت هوشیاری می شود؛ اعم از اینکه قانون استعمال آنها را ممنوع کرده یا مجاز باشد؛ اما معنای خاص آن شامل موادی است که مصرف آنها تغییراتی در کارکرد بیولوژیکی بدن به وجود می آورد و قانون گذار استعمال آنها را ممنوع کرده است.

سازمان بهداشت جهانی مواد مخدر را به مواد شیمیایی منحصر دانسته که سلامت بدن نیازمند آنها نیست. این تعریف که به معنای عام مواد مخدر نظر دارد شامل مواد غیرشیمیایی نمی شود (زراعت، ۱۳۸۶، ص ۵۲). مصادیق مواد مخدر در حقوق جزای



افغانستان متعدد و طیف وسیعی را شامل می‌شود؛ مانند تریاک و جمیع مشتقات آن، چرس و جمیع مشتقات آن، سایر مواد مخدر و مشتقات کیمیاوی آن، که در جداول مرتبه کنوانسیون بین‌المللی مواد مخدر منضمه این قانون از آن به نام ادویه سیکواکتیف یاد شده است (قانون مبارزه با مواد مخدر، ماده ۳).

اعتیاد به مواد مخدر از منظرهای مختلف تعریف شده است: برخی گفته‌اند اعتیاد به معنای خو گرفتن و عادت کردن به هر چیزی است که سبب تمایل و وابستگی به آن می‌شود. در لغت‌نامه دهخدا اعتیاد به معنای عادت کردن و خو گرفتن به هر چیزی تعریف شده است. همچنین اعتیاد به مواد مخدر به معنای خو گرفتن و عادت کردن به مواد است؛ به طوری که نبود دسترسی به آن مواد موجب بروز علائم محرومیت می‌شود (سروستانی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۶ و ۲۲۷). از این تعریف‌ها در مورد اعتیاد می‌توان گفت: اعتیاد به مواد مخدر به وضعیت و حالتی اطلاق می‌شود که بر اثر مصرف، شخص به مواد مخدر عادت پیدا کرده و وابسته به آن شود؛ به گونه‌ای که به صورت معمولی نتواند آن را ترک نماید.

۲. مفهوم پیشگیری: واژه پیشگیری در مفهوم متداول آن در معانی «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن» و همچنین، «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است. اما در جرم‌شناسی، پیشگیری در معنای اول آن مورد استفاده واقع می‌شود؛ یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است (نجنفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۷۳۷). در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری مفهوم مضیقی پیدا کرده است. در این مفهوم پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجب فرصت‌های جرم مورد استفاده قرار می‌دهد. اما «امروزه پیشگیری از بزهکاری در یک مفهوم موسع به کار می‌رود و طیف وسیعی از اقدامات کیفی و غیر کیفی را در جهت خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم دربرمی‌گیرد» (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۲). بنابراین، اگر بخواهیم تعریف مختصر از پیشگیری از جرم ارائه دهیم، می‌توانیم بگوییم که: «پیشگیری از جرم پیش‌بینی، شناسایی و برآورد عوامل خطر جرم و اتخاذ تدابیر



و اقداماتی برای از بین بردن یا کاهش آنهاست». این تعریف عام و موسع است و هر آنچه را شامل می‌شود که در امر پیشگیری مؤثر باشد.

۱-۲. **پیشگیری وضعی:** پیشگیری انواعی دارد؛ مانند پیشگیری کیفری، اصلاحی و اجتماعی. منظور نویسنده در این تحقیق پیشگیری وضعی است. پیشگیری وضعی مربوط به مرحله است که مجرم تصمیم قطعی به ارتکاب جرم گرفته اما تا هنوز تصمیم قطعی خود را عملی نکرده است. در این روش کنترل و ابتکار جای مجازات و انفعال را گرفته و اقدامات جهت سلب فرصت مجرمانه از مجرم و محافظت از آماج جرم اتخاذ می‌شود. رونالد کلارک در تعریف پیشگیری وضعی چنین می‌نویسد: «پیشگیری وضعی شامل اقدامات و روش‌هایی است برای کاهش فرصت که به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می‌رود، متضمن طراحی و مدیریت محیط بلاواسطه (صحنه و محل وقوع جرم) یا همان نظارت و تحت نفوذ درآوردن هرچه پایدارتر و سازمان یافته تر محل وقوع جرم است؛ به طوری که زحمات و خطرات ناشی از اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش داده و سود حاصله، به طوری که در نظر اکثر مرتکبین جلوه‌گر می‌شود، را کاهش می‌دهد» (صفاری، ۱۳۸۷، ص ۲۹۲).

با توجه به این تعریف از پیشگیری وضعی، هدف در این روش اتخاذ تدابیر است که بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن گرداند. به دیگر سخن، پیشگیری وضعی شامل اقدامات غیرکیفری است که هدفشان جلوگیری از به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی است که جرائمی ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد. برای رسیدن به این هدف، راهبردهای پیشگیری وضعی در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند:

یک) افزایش اقدامات لازم برای عدم ارتکاب جرم: مراد اتخاذ تدابیر است که میزان تلاش‌ها و اقدامات لازم برای ارتکاب جرم توسط مجرم بالقوه را کاهش می‌دهد. قفل کردن درب‌ها، استفاده از قفل فرمان در موتورها، استفاده از گاوصندوق‌ها و بهره‌گیری از شیشه‌های ضدگلوله نمونه‌هایی از حمایت و حفاظت از آماج‌های جرم به شمار می‌روند که سبب محدود شدن فعالیت مجرمین بالقوه می‌شود؛

دو) فنونی که ارتکاب جرم را پرخطر می‌کند. برای نمونه، فلزیاب‌های کار گذاشته شده در میدان هوایی موجب افزایش خطر دستگیری کسانی می‌شود که قصد بردن سلاح یا مواد منفجره به داخل هواپیما را دارند. دستگاه‌های دزدگیر یا کشف سرقت در بانک‌ها و فروشگاه‌های کتاب و... از روش‌هایی است که ارتکاب جرم را دشوار و پرخطر می‌کند؛

سه) وسایلی که جذابیت موضوع جرم را کاهش می‌دهد. هدف آخرین مجموعه از تکنیک‌های پیشگیری وضعی کاهش سود حاصله از ارتکاب جرم می‌باشد. نمونه‌هایی مانند بلیط به جای پول برای پرداخت به وسایل نقلیه عمومی، استفاده از کارت‌های عضو شتاب به جای نقل و انتقالات پول، استفاده از صندوق‌های قفل‌شونده زمانی در فروشگاه‌های شبانه‌روزی که سبب کاهش موجودی پول نقد و کاهش احتمال سرقت به عنف از حسابداری می‌شود، حفظ حجاب خانم‌ها و... از جمله اقدامات مرتبط با روش‌های یادشده می‌باشد.

بنابراین، پیشگیری وضعی، شیوه‌ای از اقدامات پیشگیرانه است که با تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری و بزه‌دیدی و یا تغییر شرایط محیطی مانند زمان و مکان درصدد است از ارتکاب جرم توسط فرد مصمم به انجام جرم، جلوگیری کند (میرخلیلی، ۱۳۸۳، ص ۶۱). مثال‌های بارز چنین روشی از پیشگیری را می‌توان در تغییر و تعدیل طرح‌های ساختمانی، کنترل محیط و موقعیت که جرم در آن مکان ممکن است ارتکاب یابد، نظارت رسمی مانند گشت پلیس، نظارت طبیعی مانند چراغانی کردن خیابان‌ها، پارک‌ها، حذف یا کاهش جذابیت وسایل تحریک‌آمیز و... مشاهده نمود.

ب) مبانی نظری تحقیق

پدیده مواد مخدر به عنوان یک بحران جهانی موجب آسیب‌های جدی به پیکره جامعه بشری شده است. تهدیدات غیرقابل و صف این جرم، دست‌اندرکاران جامعه را وادار کرده است تا با اتخاذ سیاست خاصی در عرصه مبارزه با این جرم دست به مقابله بزنند. جرائمی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با مواد مخدر مرتبط می‌شود، یکی از عوامل ایجاد اختلال در نظم و امنیت کشورها شده و ثبات سیاسی و اقتصادی کشورهای درگیر با این موضوع را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ ازاین‌رو، ممنوعیت تولید مواد مخدر و جرائم مرتبط با آن مانند حمل و نقل، نگهداری،



استعمال و قاچاق مواد مخدر از مبانی متعدد جرم‌شناختی، فقهی و حقوقی در سطح ملی و بین‌المللی برخوردار است که در ذیل به‌طور مختصر به آن پرداخته می‌شود.

۱. معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی

گرفتاری جامعه بشری به معضل مواد مخدر، کشورها را بر آن داشت تا برای جلوگیری از گسترش آثار مخرب این بلای ویرانگر، در قالب معاهده‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به مبارزه با این پدیده بپردازند. نخستین همکاری بین‌المللی برای مقابله با کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر به سال ۱۹۰۹ برمی‌گردد. در این سال، همایشی با حضور ۱۳ کشور در شانگهای چین برگزار شد که معاهده‌ای به‌منظور محدودیت مصرف مواد مخدر برای موارد دواسازی امضا شد (اسعدی، ۱۳۸۸، ص ۲۴).

اما اقدامات جدی جهانی به بعد از جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با گسترش میزان مصرف مواد مخدر در سطح جهانی روی دست گرفته شد و تلاش‌ها در قالب سازمان ملل علیه این پدیده، در نهایت به تصویب معاهده سازمان ملل در سال ۱۹۶۳، تحت عنوان «معاهده ۱۹۶۱» منجر شد. این معاهده در سال‌های بعد اصلاح شد و در معاهده سال ۱۹۸۸ که از آن به «کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان‌گردان» یاد می‌شود، قاچاق مواد مخدر در همه انواع آن به‌عنوان یک عمل مجرمانه شناخته شده و از کشورها خواسته شده که با قاچاق این پدیده مبارزه کنند (علی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۷۳)؛ البته اصلاحات وارده در این کنوانسیون با در نظر داشت پیشرفت‌های فنی و صنعتی جهان، پیشرفت‌های سریع تکنولوژی و تحولات طبی و نیز توصیه سازمان بهداشت جهانی صورت گرفته است.

درواقع، معاهده ۱۹۸۸ جامع‌ترین و جدیدترین معاهده بین‌المللی در زمینه جرم‌انگاری مواد مخدر می‌باشد که در مقدمه آن، چهار هدف اساسی از آن را و دلایل اینکه این پدیده از نظر قوانین بین‌المللی به‌عنوان جرم شناخته شده است، یادآوری شده است. نگرانی از حجم رو به افزایش تقاضای مواد مخدر، مرتبط بودن آن با دیگر جرائم و فعالیت‌های سازمان یافته بزهکارانه، تمایل جهانی برای مبارزه با این پدیده و در نهایت، همکاری اعضای سازمان ملل

برای مقابله با پدیده مواد مخدر از طریق قانون‌گذاری و اقدامات اجرایی را به خود اختصاص داده است.

افزون‌براین، معاهده‌هایی که به‌صورت خاص در زمینه مواد مخدر تدوین و تصویب شده است، در برخی اسناد دیگر بین‌المللی نیز به این مسئله اشاره شده و از جمله در ماده ۳۳ «کنوانسیون حقوق کودک»، تأکید شده که: «کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم از جمله اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی، آموزشی را جهت حمایت از کودکان در برابر استفاده غیرقانونی از مواد مخدر و یا مواد محرک، همان‌گونه که در معاهدات بین‌المللی مربوطه تعریف شده و جلوگیری از استفاده از کودکان در تولید غیرقانونی و قاچاق این گونه مواد به عمل خواهند آورد».

در کنار این اسناد، می‌توان از «کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم» نیز یاد کرد که هر نوع کمک مستقیم و غیرمستقیم با گروه‌های تروریستی از جمله جرائم بین‌المللی محسوب می‌شود. مواد مخدر و درآمدهای ناشی از آن، امروزه به یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد گروه‌های تروریستی و منابع تأمین این گروه‌ها تبدیل شده است.

۲. مبانی فقهی جرم شناختی مواد مخدر

مبانی فقهی جرم‌شناختی مواد مخدر را نیز از دو جهت می‌توان مورد بحث قرار داد: یکی از آن جهت که خود مواد مخدر در فقه اسلامی از محرمات است و در منابع اسلامی افرادی که در زمینه‌های مختلف مواد مخدر فعال هستند، مرتکب فعل حرام دانسته می‌شوند و دیگر اینکه قواعد فقهی زیادی با توجه به پیامدهای استفاده از مواد مخدر بر منع و حرمت تولید و استفاده از این پدیده دلالت دارند. از این‌رو، انواع مواد مخدر و تولید آن در فقه اسلامی از جمله محرمات به شمار می‌آید و علمای دو مذهب بزرگ اسلامی در بحث‌های گوناگون به این پدیده پرداخته‌اند.

فقه‌ها در ابواب مختلف فقهی به موضوعات متعددی در خصوص مواد مخدر پرداخته‌اند؛ موضوعاتی مانند تولید اعم از زراعت و فرایند تولید مواد مخدر، نگهداری، قاچاق، توزیع، فروش، مصرف، ایجاد مراکز و... همچنین، قواعد عام فقهی مثل قاعده «لا ضرر» و «حرمت کمک به انجام گناه» که با هر کدام از این قواعد، می‌توان حکم وضعی



و تکلیفی موضوعات مربوط به مواد مخدر را استنباط نمود؛ زیرا استفاده از این مواد موجب ضررهای متعدد جسمانی، روحی و روانی برای انسان می‌شود تا جایی که حتی در موالید انسان نیز تاثیر سوء آن ماندگار خواهد بود (میرعی صعب، ۲۰۰۷، ص ۵۷).

در خصوص جنبه کیفری و مجازات‌های ارتکاب جرائم مربوط به مواد مخدر براساس همین قواعد فقهی، اضافه بر اجرای حکم حدی مفسد فی الارض در خصوص برخی از موارد و جرائم مرتبط با مواد مخدر و اعمال مجازات، از باب تعزیرات شرعی و حکومتی نیز می‌توان انواع مجازات را برای شخص مجرم در نظر گرفت. در منابع فقهی و روایی، برخی از انواع مواد مخدر به صراحت ذکر شده است؛ چنان‌که شیخ طوسی از علمای شیعه در کتاب النهایه، کسی را که به دیگران مواد مست‌کننده و زایل‌کننده عقل می‌دهد و در مقابل آن پول دریافت می‌کند، مجرم شناخته و معتقد است که باید مجازات شود. شبیه همین فتوا را شیخ مفید، ابن براج، ابن ادریس حلی و بسیاری از فقهای دیگر داده‌اند (سلمانی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۳۵). عبارات این فقها نشان می‌دهد که نسبت به مواد مخدر، واقف بوده و به آثار سوء جسمی و روانی آن چون زوال عقل، نقصان در جسم و حواس توجه داشته‌اند.

از زمان‌های بسیار دور، فتاوی صریحی درخصوص استعمال مواد مخدر از علمای اسلامی در دست می‌باشد و در لابه‌لای کلمات فقهای بزرگ قدیم نیز کلماتی وجود دارد که از حرمت مواد مخدر نزد آنان حکایت دارد. البته فقها در مبنای تحریم مواد مخدر با یکدیگر اختلاف دارند. برخی به‌عنوان یک موضوع مستقل، قائل به حرمت بوده‌اند و برخی نیز چون شیخ طوسی آن را به مسکرات ملحق کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۰، ص ۱۸۲). دلیل اصلی حرمت استعمال مواد مخدر در فقه اسلامی، حکم عقل و تطبیق برخی از قواعد و احکام قطعی فقهی بر آن می‌باشد که از آن جمله دو قاعده «لاضرر» و «حرمت کمک به گناه» از مهم‌ترین قواعدی است که می‌توان از آنها برای جرم دانستن هر نوع فعالیت در زمینه مواد مخدر کمک گرفت. براساس قاعده لاضرر، که مبنای بسیاری از احکام فقهی قرار می‌گیرد، قاچاق مواد مخدر و فرآیند تولید تا مصرف آن از جمله افعال ضرری هستند که اگر حکم به اباحه آنها شود، درواقع، حکم به کسب، تولید و معاملاتی شده که ضرر و زیان آن برای افراد جامعه و حیات جمعی امری مسلم است؛ ازاین‌رو از باب نفی حکم ضرری، حکم اباحه آن

برداشته شده و حرام می‌شود. مذاهب اربعه اهل سنت نیز بر حرمت استفاده از این مواد تأکید دارند (عبدالسلام، ۱۹۸۶م، ص ۴۰۹).

همچنین، مطابق آیه «ولا تعاونوا علی الاثم و العدون»، فقهای اسلامی در موارد بسیاری براساس قاعده حرمت کمک به فعل گناه، فتوا به تحریم فعالیت در زمینه‌های مربوط به مواد مخدر داده‌اند. به هر حال نمی‌توان انکار کرد که تولید و قاچاق مواد مخدر با توجه به عدم فایده عقلایی و مصرف سوء آن از مصادیق روشن معاونت بر گناه می‌باشد؛ زیرا تولیدکننده و قاچاقچی هم علم و هم قصد دارند که مواد مخدر را در نهایت به مصرف سوء و حرام مباشر یعنی معتاد برسانند. بنابراین، می‌توان حرمت تولید و قاچاق مواد مخدر از این باب نیز امری روشن تلقی نمود

۳. مبنای جرم‌انگاری مواد مخدر در قوانین افغانستان

قوانین افغانستان از یک سو متکی به فقه اسلامی است و از سوی دیگر، افغانستان بسیاری از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله معاهدات و کنوانسیون‌ها در زمینه مبارزه با کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر را امضا کرده است. از این رو، قانون‌گذاران نظام حقوقی افغانستان چه در قانون خاص (قانون مبارزه با مسکرات و مواد مخدر) و چه در قانون عام از جمله در «کود جزا» نیز با استناد به این دو منبع، بیشتر انواع فعالیت‌ها در زمینه مواد مخدر را جرم‌انگاری نموده و مرتکبان جرائم مربوط به مواد مخدر را قابل مجازات دانسته‌اند.

نظام حقوقی افغانستان در دوره اخیر در زمینه جرم‌انگاری موضوعات مرتبط به مواد مخدر، به پیروی از معاهدات و اسناد بین‌المللی و فقه اسلامی و همچنین، به منظور جلوگیری از مشکلات اجتماعی آن، قانونی را تدوین و تصویب کرده است. سیاست جزایی افغانستان در قبال مواد مخدر یک سیاست ترکیبی است؛ یعنی در مورد مصرف آن سیاست جرم‌زدایی و در مورد کشت، قاچاق و خرید و فروش آن، سیاست جرم‌انگاری را در پیش گرفته است؛ مانند قانون مبارزه علیه مواد مخدر^۱ و قانون مبارزه علیه مسکرات، مواد مخدر و کنترل آن.^۲

^۱ وزارت عدلیه، جریده رسمی شماره ۸۷۵، سال ۱۳۹۶.

^۲ همان، جریده رسمی شماره ۱۰۲۵، سال ۱۳۸۹.



به نظر می‌رسد مبنای جرم‌انگاری مواد مخدر در افغانستان، در کنار قبح اجتماعی و رعایت ارزش‌های اسلامی، جلوگیری از ورود ضرر به خود مصرف‌کننده و دیگران است. قانون‌گذار با توجه به این مبانی در مورد فعالیت‌های مربوط به مواد مخدر قانون‌گذاری کرده و آنها را جرم دانسته است. در کنار دیگر قوانینی که در مورد مواد مخدر تدوین و تصویب شده، در کود جزا قانون‌گذار فصل مستقلی را به «قاچاق مواد مخدر» اختصاص داده است. در فصل پنجم کود جزا، به جرم‌انگاری در مورد این پدیده پرداخته شده است.

ج) تدابیر پیشگیرانه در پیشگیری وضعی

همان‌گونه که بیان شد، یکی از شیوه‌های پیشگیری از جرم، پیشگیری وضعی است که با تغییر وضعیت فرد و شرایط محیط و روابط افراد در صدد است که موقعیت‌ها و فرصت ارتکاب جرم را از فرد مصمم به انجام جرم سلب و یا کاهش دهد. یکی از روش‌هایی که می‌تواند موقعیت مجرمانه را تغییر داده و مانع از بزه‌دیدگی شود، دشوار کردن آماج جرم، از بین بردن موقعیت‌های مجرمانه و حمایت از بزه‌دیدگان است. در میان روش‌های وضعی پیشگیری، نکات دقیق و فراوانی در این باره وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. دشوار ساختن آماج جرم

یکی از مؤلفه‌های اصلی پیشگیری وضعی، ممتنع و دشوار کردن آماج‌های جرم است. فئونی که ارتکاب جرم را پرخطر کرده و شخص مصمم به ارتکاب جرم به‌آسانی نتواند اندیشه مجرمانه‌اش را تحقق بخشد. به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود. یکی از روش‌های پیچیده کردن اهداف مجرمانه، تدابیر کنترلی فعالیت‌های تولیدکنندگان مواد مخدر است. اتخاذ تدابیر نظارتی و کنترلی در قبال فعالیت‌های تمویل‌کنندگان مواد مخدر، جایگاه خاصی در پیشگیری وضعی دارد.

برجسته‌ترین راهکار پیشگیرانه وضعی در این ارتباط، کنترل امنیتی و پلیسی در سطوح ملی و بین‌المللی است که قانون‌گذار افغانستان فعالیت‌های مرتبط با تولید مواد مخدر را به‌عنوان مصداق بارزی از جنایت سازمان‌یافته فراملی، در کنار گزینه‌هایی مانند تروریسم و قاچاق انسان، به‌منزله یکی از تهدیدهای امنیتی برشمرد و خواهان معاضدت‌های بین‌المللی شده است و یکی از اهداف تدوین قانون مبارزه با جرائم مواد

مخدر را جلب همکاری و مساعدت‌های وسیع و همه جانبه ادارات و مؤسسات داخلی و خارجی در امر مبارزه علیه مواد مخدر دانسته است (قانون مبارزه با جرائم مواد مخدر، ماده ۴ فقره ۲).

گفتنی است مواد مخدر از دو منظر به عنوان جرائم بین‌المللی معرفی شده و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مجازات سختی را در سه سطح مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و قاچاق‌کنندگان در نظر گرفته‌اند. مواد مخدر اولاً از آن جهت که این پدیده خود زندگی سالم انسانی را با خطر و تهدید مواجه کرده و تولید و مصرف آن اثرات مخرب و ویرانگر بر زندگی انسان‌ها گذاشته است، آن را یک پدیده جرمی معرفی کرده‌اند؛ ثانیاً، از آن جهت که این پدیده تأمین‌کننده هزینه‌های بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌های مافیایی، تروریستی و هراس‌افکن می‌باشد، ماهیت جرمی بودن این پدیده را تشدید می‌کند. از این رو، هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح کشورها، راهکارهایی برای مقابله با این پدیده در نظر گرفته شده و ضمن جرم‌انگاری آن، تلاش شده تا قوانین و مجازات سختی برای مقابله با این پدیده در نظر گرفته شود.

بدون تردید جلوگیری از تولید و توزیع مواد مخدر و جرائم مرتبط با آن بدون همکاری‌ها و معاضدت‌های ملی و بین‌المللی و وضع تنبیهات جزای و حقوقی امکان‌پذیر نخواهد بود. نظارت‌های پلیسی و امنیتی و همکاری‌های منطقه‌ای بر جرائم مواد مخدر و به‌ویژه تولید آن نقش بارز در دشوار کردن آماج جرم داشته و می‌تواند این پدیده شوم و معضل جهانی را مهار نماید.

۲. مبارزه با زمینه‌ها و مقدمات تولید مواد مخدر

گاه زمینه‌ها و فرصت‌های بزهکاری ممکن است بیش از هر شرایط دیگر فراهم باشد. از بین بردن مقدمات و زمینه‌های مجرمانه در چنین وضعیت‌ها و شرایط می‌تواند موجب پیشگیری شود. سیاست جنایی کشورها و همچنین افغانستان، از باب اینکه باید با زمینه‌ها و مقدمات بزهکاری مبارزه شود، راهبردهایی را مقرر نموده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱-۲. از بین بردن زمینه‌ها و عوامل جرم‌زا

برای امحا، نابود کردن یا به حداقل رساندن یک رفتار مجرمانه از منظر پیشگیری وضعی، باید با تمام عوامل و زمینه‌هایی که عنصر مادی جرم (رفتار مجرمانه) را مساعد و به مرز تحقق می‌رساند، مبارزه جدی و سازمان یافته صورت گیرد. قانون‌گذار افغانستان با توجه به همین موضوع اساسی، ضمن اینکه هرگونه تولید، زرع، توزیع، مخفی کردن، حمل و نقل مواد مخدر را جرم محسوب نموده است، اجاره زمین به قصد تهیه و تولید «بنگ، خشخاش و کوکا را، به منزله قاچاق دانسته و مجازات سخت برای آن پیش‌بینی کرده است. در ماده ۳۰۱ کود جزا چنین آمده است: شخصی که مالک زمین نبوده و به حیث دهقان، زمین را برای خود یا مالک، گروگیرنده یا اجاره گیرنده، بنگ‌دانه کشت نماید با نظر داشت مساحت مزرعه به مجازات ذیل محکوم می‌شود: «۱. در صورتی که مساحت مزرعه بنگ‌دانه، تا ده بسوه باشد، به جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی؛ ۲. در صورتی که مساحت مزرعه بنگ‌دانه، بیش از ده بسوه تا یک جریب باشد، به حبس قصیر؛ ۳. در صورتی که مساحت مزرعه بنگ‌دانه، بیش از یک جریب باشد، علاوه بر یک سال حبس در برابر هر بسوه اضافه بر یک جریب، به حبس یک ماه».

در فقره (۳) ماده ذکر شده ارتکاب این عمل را توسط مالکین و گروگیرنده‌ها از مصادیق مشدده جرم محسوب نموده و چنین مقرر نموده است: «هرگاه عمل کشت در احوال مندرج فقره‌های (۱ و ۲) این ماده توسط مالک، گروگیرنده یا اجاره گیرنده ارتکاب گردد، مرتکب با نظر داشت مساحت مزرعه به دوچند مجازات پیش‌بینی شده فقره‌های (۱ و ۲) این ماده، محکوم می‌گردد». همچنین، «اصولاً نه منع زرع، تجارت، خرید و فروش، واردات و صادرات و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۶» در ماده اول خود، در مورد کشت گیاهانی که در تولید مواد مخدر کاربرد دارد پیش‌بینی کرده و از آن جهت که این نوع کشت ضرر اجتماعی و صحتی دارد، آن را ممنوع کرده است: «به موجب مضار اجتماعی و صحتی تریاک، زرع، تجارت، ورود و صدور و صرف آن به صورت عمل و اعتیاد به هر صورتی که باشد، در افغانستان ممنوع است». در ماده ششم «قانون مبارزه علیه مواد مخدر» مصوب ۱۳۸۲ آمده است: «زرع، تولید، پروسس، خرید و فروش، تورید، صدور، عرضه، نگهداشت، حمل و نقل، تملیک و استعمال بته‌ها، ادویه و مواد مندرج جدول شماره (۱) منضمه این قانون مطلقاً



ممنوع است.» همچنین، در قانون مبارزه با مواد مخدر و مسکرات مصوب ۱۳۹۶، در ماده ۳۴، احکام مربوط به کشت گیاهان مورد استفاده در تولید مواد مخدر به صورت مفصل در ۵ فقره توضیح داده شده است.

در مواد ذکرشده، قانون‌گذار حکم مجازات مربوط به کشت گیاهانی که در تولید و تهیه مواد مخدر کاربرد دارند را به‌عنوان یکی از مصادیق قاچاق مواد مخدر بیان می‌کند و این حکم هم مربوط به کسانی است که این گیاهان را در زمین غیر کشت می‌کنند و هم مربوط به مالکان زمین.

۲-۲. ممنوعیت هرگونه مساعدت با تولیدکنندگان مواد مخدر

در مواد متعدد از کود جزا و سایر قوانین مرتبط با جرائم مواد مخدر، هرگونه همکاری و مساعدت با تولیدکنندگان مواد مخدر و جرائم مرتبط با مواد مخدر، ممنوع و جرم دانسته شده است: «ماده ۳۰۷: ۱. هرگاه مالک یا رهن‌گیرنده یا نماینده قانونی آنها زمین، تعمیر، واسطه نقلیه یا سایر ملکیت‌های مربوط را به‌منظور ارتکاب جرائم قاچاق مواد مخدر، به رهن یا اجاره بدهد یا آن را در اختیار دیگری قرار دهد، حسب احوال به عین جزای فاعل اصلی جرم، محکوم می‌گردد؛ ۲. هرگاه شخص مندرج فقره (۱) این ماده زمین، تعمیر، واسطه نقلیه یا ملکیت‌های مربوط را به‌منظور فعالیت‌های مجاز به رهن گذاشته یا به کرایه یا اجاره بدهد، در صورتی که از آنها به مقاصد ارتکاب جرائم مندرج این فصل استفاده صورت گیرد و باوجود علم از ارتکاب آن ممانعت ننموده و به مراجع مسئول اطلاع ندهد، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد».

از نظر قانون‌گذار، کسانی که وسایل و تجهیزات در اختیار قاچاقچیان می‌گذارند، نیز شریک جرم هستند و باید مجازات شوند. منظور از وسایل آلات می‌باشد که مخصوص استفاده برای مواد مخدر می‌باشد. بنابراین وسایلی که کاربرد عمومی داشته باشند هرچند ممکن است استفاده‌کنندگان مواد مخدر نیز از آن استفاده نمایند، شامل این حکم نخواهد بود (لطیفی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷)؛ البته این مجازات زمانی برای آنها در نظر گرفته می‌شود که اولاً طرف از انجام رفتارهای مرتبط با قاچاق مواد مخدر آگاه باشد و ثانیاً از این فعالیت‌ها به مسئولین مربوطه اطلاع ندهد.



در قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۸۲ در ماده ۳۴ آمده است: «شخصی که به وسیله واسطه نقلیه خود به حمل و نقل مواد مخدر بدون استیذان حکومت یا حکم قانون مبادرت ورزد، در صورتی که اندازه مواد هیروئین از صد گرم یا تریاک از یک کیلوگرم باشد، علاوه بر مجازات مندرجه این فصل، واسطه حامل نیز مصادره می گردد.

قانون مبارزه با مواد مخدر و مسکرات سال ۱۳۹۶ نیز در فقره اول ماده چهل و چهارم به این موضوع پرداخته است: «۱. هرگاه مالک یا رهن گیرنده یا نماینده قانونی آنها زمین، تعمیر، واسطه نقلیه یا سایر ملکیت های مربوط را به منظور ارتکاب جرائم قاچاق مواد مخدر و مسکرات، به رهن یا اجاره بدهد یا آن را در اختیار دیگران قرار دهد، حسب احوال به، حداکثر جزاء فاعل اصلی جرم، محکوم می گردد». در این ماده قانون گذار، به شخصی که ملک شخصی یا ملک رهنی خود را در اختیار قاچاقچیان قرار می دهد، پرداخته است. البته قرار دادن ملکیت در اختیار قاچاقچیان دو حالت دارد: گاهی صاحب ملک یا رهن کننده ملک، ملک تحت تصرف خودش را به قصد تولید یا سایر فعالیت های قاچاق مواد مخدر در اختیار دیگری قرار می دهد؛ اما گاهی ملکش را به منظور فعالیت های مجاز در اختیار دیگری قرار می دهد؛ اما دیگری از آن در فعالیت های مرتبط به قاچاق استفاده می کند. در هر دو حالت، قانون گذار، صاحب ملک را مجرم شناخته، اما میزان مجازاتش تفاوت دارد. به این ترتیب قانون گذار در دو فقره، برای این افراد مجازاتی را به قرار ذیل تعیین نموده است:

در فقره اول، قانون گذار به این مسئله اشاره دارد که صاحب ملک یا کسی که به صورت رهنی ملکی را در اختیار دارد و با قصد انجام فعالیت های مرتبط با قاچاق مواد مخدر ملک را به رهن یا اجاره می دهد. در این فرض، از نظر قانون گذار، صاحب ملک به عین جزای فاعل اصلی جرم، محکوم می گردد. در فقره دوم به موردی اشاره دارد که شخص زمین، تعمیر، واسطه نقلیه یا ملکیت های تحت تصرف خود را به منظور فعالیت های مجاز به رهن گذاشته یا به کرایه یا اجاره داده است، اما از آنها به مقاصد ارتکاب جرائم مرتبط به فعالیت های قاچاق مواد مخدر استفاده صورت گیرد. از نظر قانون گذار در این حالت اگر صاحب ملک از ارتکاب این جرائم آگاهی دارد و از آن ممانعت نمی کند و به مراجع مسئول خبر نمی دهد، مجازاتش حبس متوسط می باشد».

۴-۲. ممنوعیت تهیه وسایل یا تجهیزات تولید مواد مخدر و مواد روان گردان

قانونگذار برای اینکه زمینه تولید و زرع مواد مخدر و سایر مواد مرتبط با آن را ریشه کن و یا حداقل کاهش دهد، تهیه هرگونه ابزاری که در تولید و کشت مواد مخدر و سایر مواد روان گردان به کار گرفته شود را جرم اعلام نموده و مجازات شدید برای مرتکبان آن پیش بینی نموده است: «ماده ۳۰۹: ۱. شخصی که با داشتن علم، وسایل یا تجهیزات اختصاصی برای تولید یا ساخت مواد مخدر و مواد روان گردان را تهیه، حمل و نقل، تورید، صادر، خرید، فروش یا توزیع کند یا آن را در حیات خود داشته باشد، به حداکثر حبس متوسط و مصادره وسایل و تجهیزات مربوط به جرم محکوم می گردد؛ ۲. شخصی که وسایل و تجهیزات مندرج فقره (۱) این ماده را با داشتن جواز وارد ولی آن را به مقصد تولید و پروسس غیر مجاز مواد مخدر، فروش و یا استعمال نماید، به حبس طویل بیش از ده سال، محکوم می گردد؛ ۳. هرگاه جرائم مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده توسط شخص حکمی ارتکاب یابد، علاوه بر مجازات فاعل جرم، شخص حکمی در مرتبه اول حسب احوال به جزای نقدی از دو میلیون تا پنج میلیون افغانی محکوم و در مرتبه دوم علاوه بر جزای نقدی پنج میلیون افغانی، جواز فعالیت وی نیز سلب می گردد».

هرچند در موارد یادشده نوع وسیله مشخص نشده است؛ ولی می توان گفت: هر وسیله ای که در تولید مواد مخدر نقش داشته باشد را شامل می گردد (رحمدل، ۱۳۹۱، ص ۲۴۰)؛ البته گاهی شخص این وسایل را بدون جواز تهیه می کند؛ اما گاهی جواز تهیه آن را دارد؛ اما از آن استفاده غیر مجاز می کند که از دید قانون گذار این دو مورد مجازات متفاوت دارد. در قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۸۲، در ماده ۳۰ نیز آمده است: «شخصی که به منظور تولید مواد مخدر، سامان و ادوات مخصوص، آن را استعمال یا وارد نماید، یا سامان و ادواتی را به این منظور به کار برد، سامان و ادوات مذکور به حکم محکمه مصادره و مرتکب حسب احوال به مجازات حبس طویل یا دوام محکوم می گردد».

قانون مبارزه با مواد مخدر و مسکرات ۱۳۹۶ نیز در ماده ۴۵ چنین می نویسد: «۱. شخصی که با داشتن علم، مرتکب جرم تهیه، حمل و نقل، تورید، صدور، خرید، فروش و توزیع وسایل یا تجهیزات مورد استفاده در زرع، تولید یا ساختن مواد مخدر و مسکرات یا مواد روان گردان گردد یا آن را در حیات خود داشته باشد، حسب احوال به حبس طویل تا ده



سال و مصادره وسایل و تجهیزات مربوط به جرم محکوم می‌گردد». «شخصی که وسایل و تجهیزات مندرج فقره ۱ این ماده را با داشتن جواز وارد، ولی آن را به مقصد تولید و پروسس غیر مجاز مواد مخدر فروش و یا استعمال نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد».

همان‌گونه که بیان شد، این ماده احکام مربوط به شخصی را که وسایل و تجهیزات مورد استفاده در تولید و تهیه مواد مخدر را در اختیار دارد، حمل و نقل و یا استعمال می‌کند، بیان می‌کند. گاهی شخص این وسایل را بدون داشتن جواز وارد و یا استعمال می‌کند و گاهی جواز وارد و استعمال این وسایل را دارد؛ اما از این وسایل استفاده غیر مجاز می‌کند. قانون‌گذار با در نظر داشت این دو وضعیت، در سه فقره برای مرتکب تعیین مجازات کرده است: فقره ۱: «شخصی که با داشتن علم، وسایل یا تجهیزات اختصاصی برای تولید یا ساخت مواد مخدر...» موضوع جرم در این ماده و وسایل و تجهیزات اختصاصی تولید و تهیه مواد مخدر است. بنابراین، اگر شخصی وسایلی که فقط در تولید و توزیع مواد مخدر کاربرد دارد را تهیه نماید، یا آن را از کشور دیگری وارد سازد یا اینکه آن را صادر و خرید و فروش نماید و...، عنصر مادی جرم تحقق یافته است.

از سوی دیگر، این جرم از نوع عمدی است، بنابراین، عنصر معنوی جرم زمانی محقق خواهد شد که این کار با آگاهی و قصد انجام شود. از این رو، اگر شخصی نداند که این وسایل در تولید و توزیع مواد مخدر کاربرد دارد، جرم محقق نمی‌شود. در صورتی که هردو عنصر مادی و معنوی جرم محقق شود، مجازات شخص مرتکب، علاوه بر حداکثر حبس متوسط، مصادره وسایل و تجهیزات مذکور می‌باشد. فقره ۲: «شخصی که وسایل و تجهیزات مندرج فقره (۱) این ماده را با داشتن جواز وارد...» این فقره حکم شخصی را بیان می‌کند که برای ورود این وسایل جواز دارد؛ اما پس از ورود، شخص به صورت آگاهانه از آنها استفاده غیر مجاز می‌کند. عنصر مادی جرم در این فقره استفاده غیر مجاز است و شخص پس از وارد کردن آنها برای تولید و توزیع غیر مجاز مواد مخدر استفاده کند یا آنکه این وسایل را به کسی بفروشد که ممکن است از آن استفاده غیر مجاز نماید، اما در صورتی که استفاده مجاز صورت گیرد، فرد مجرم نخواهد بود. عنصر معنوی جرم هم آگاهی و قصد

مجرم است و در صورتی که شخص با آگاهی و اراده اقدام به استفاده غیرمجاز کند، جرم تحقق یافته است.

مجازات در نظر گرفته شده برای مرتکب این جرم، حبس طویل بیش از ده سال است که در این صورت، جرم تعیین شده برای فقره ۲ بیش از جرم فقره ۱ است و دلیل آن این است که مجرم علاوه بر ارتکاب جرم، از اعتماد نهاد مربوطه سوءاستفاده کرده است؛ از این رو مناسب است که مجازاتش شدیدتر باشد.

فقره ۳: «هرگاه جرائم مندرج فقره‌های (۱ و ۲) این ماده توسط شخص حکمی ارتکاب یابد...» این فقره مربوط به زمانی است که جرائم فقره‌های ۱ و ۲ توسط شخص حکمی غیردولتی صورت گیرد، در این حالت، فاعل جرم، رئیس یا نماینده شخص حکمی به تناسب ارتکاب جرم مجازات می‌شود: اگر دفعه اول این جرم را مرتکب شده باشد، بین دو تا پنج میلیون افغانی جریمه خواهد شد، اما اگر شخص حکمی این جرم را تکرار کند، علاوه بر مجازات نقدی، جواز آن نیز سلب می‌شود.

۳-۴. تغییر موقعیت و نهادینه کردن کشت جایگزین

آلودگی محیط، نابسامانی و ناهنجاری‌های حاکم بر آن، نیز می‌تواند، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه را متزلزل و زمینه را برای بزهکاری و بزه‌دیدگی فراهم نماید؛ زیرا مکان یکی از شرایط تحقق عمل مجرمانه است. تغییر موقعیت در چنین وضعیت‌هایی اثر قابل توجه در کاهش جرائم دارد. یکی از راهکارهای تغییر موقعیت در قبال مواد مخدر، تشویق کشت جایگزین است. دولت‌ها و متصدیان مبارزه با جرائم مواد مخدر، وظیفه دارند که دهاقین را به زرع نباتات مفید تشویق نمایند. اعلام ممنوعیت کشت مواد مخدر به وسیله قانون‌گذار و جرم‌انگاری آن در قالب سیاست پیشگیرانه وضعی از جهت منتفی کردن دسترسی به مواد مخدر یکی از راهبردهای پیشگیری اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر تلقی می‌شود؛ اما باید توجه داشت که مقابله با عرضه بدون معرفی محصول جایگزین آن امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، زمانی که قانون‌گذار می‌خواهد با عرضه کشت مواد مخدر مبارزه و مقابله کند، ابتدایی‌ترین کار مقابله با کشت تریاک و مشتقات مواد مخدر، تشویق دهاقین به زرع سایر نباتات مفیده مانند زعفران و تأمین کمک مادی و روش‌های کشت و



بهره‌برداری آن است. ولی گسترش و توسعه این اقدامات مستلزم اقدام عملی دولت است که همکاری لازم را با کشاورزان داشته باشند.

قانون‌گذار افغانستان با توجه به این موضوع مهم یکی از اهداف تدوین قانون مبارزه با جرائم مواد مخدر را جلوگیری از زرع، تولید، تهیه، توزیع، نگهداشت، حمل و نقل، واردات و صادرات، عرضه، ذخیره و... مواد مخدر و تشویق دهاقین به زرع مواد مفید دانسته است (ماده دوم قانون مبارزه با جرائم مواد مخدر). وزارت کشاورزی، آبیاری و مالداري طالبان نیز می‌گوید که این وزارت گیاهانی مانند زعفران، هنگ، پنبه، زغر، آلورا و کنجد را به‌عنوان جایگزین خشخاش به کشاورزان در نظر گرفته است.^۱ در گذشته کشت جایگزین مواد مخدر با چالش‌های جدی مواجه بود؛ زیرا مناطق جنوب و جنوب غرب کشور که عمده‌ترین محصولات مواد مخدر را تولید می‌کردند، در کنترل دولت قرار نداشت. مافیای مواد مخدر با پشتوانه مالی و اقتصادی سازمان‌های تبهکار تلاش می‌کردند تولید مواد مخدر را افزایش دهند. طبیعی است که در ساحات ناامن و زیر کشت مواد مخدر، دسترسی به مواد مخدر سهل‌الوصول و زمینه اعتماد به مواد مخدر و مصرف آن بیش از هر جای دیگر فراهم است.

بدون تردید نابودی کامل منابع تولید مواد مخدر از طریق نابودی مزارع آن و معرفی کشت‌های جایگزین، امری ناشدنی است؛ اما براساس قاعده «عرضه و تقاضا»، این امکان وجود دارد که با کاهش گرایش و دسترسی به مواد مخدر و سایر مواد روان‌گردان‌ها، با گسترش و توزیع سرسام‌آور آن مقابله شود. مسلم است اگر تقاضا برای دریافت کالای مصرفی وجود نداشته باشد، عرضه و توزیع آن سیر نزولی خواهد یافت و برعکس به هراندازه که توزیع و دسترسی به مواد مخدر افزایش یابد، تقاضا و گرایش به مواد مخدر هم افزایش خواهد یافت.

نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق پاسخ به این سؤالات است که پیشگیری وضعی چه نقشی در جلوگیری از تولید مواد مخدر در افغانستان دارد؟ و اینکه قانون‌گذار افغانستان به کدام یک از سازوکارهای پیشگیری وضعی از تولید مواد مخدر توجه کرده است؟ تجارب کشورها در امر

^۱. خبرگزاری افغان ایرکا

مبارزه با مواد مخدر از کشت و تولید مواد مخدر گرفته تا حمل و نقل، قاچاق و استفاده از آن ثابت کرده است که سیاست کیفری (جرم‌انگاری مواد مخدر و تعیین مجازات‌های شدید) به تنهایی نمی‌تواند اهداف سیاست جنایی کشورها را در راستای محو تولید مواد مخدر و جرائم وابسته به آن تأمین نماید و از این رو، در کنار استفاده از پیشگیری جزایی نیازمند بهره‌گیری از پیشگیری وضعی و دشوار کردن آماج مجرمانه و ایجاد موانع شدید بین بزه‌کار و اهداف از پیش تعیین شده و مبارزه جدی با عوامل و زمینه‌های جرمی می‌باشد.

قانون‌گذار افغانستان با توجه به مبانی فقهی ممنوعیت و حرمت تولید مواد مخدر، توزیع، مخفی نگهداشتن، قاچاق و استفاده از آن و تعهدات بین‌المللی مبارزه با مواد مخدر، تولید مواد مخدر و جرائم مرتبط با آن را از جرائم سازمان یافته فراملی دانسته است و ضمن جلب همکاری‌های بین‌المللی، در عرصه ملی اقداماتی را به منظور حذف و امحای تولید مواد مخدر و یا حداقل کاهش دادن آن اتخاذ نموده است؛ مانند وضع و تصویب قوانین مناسب، تأسیس وزارتخانه مستقل و محکمه اختصاصی.

تدابیر پیش‌بینی شده منحصر به تدابیر جزایی نیست و شامل تمامی روش‌ها (قهرآمیز و اصلاحی) می‌شود. ممنوعیت تولید مواد مخدر و سایر مواد مرتبط با آن، اجاره دادن زمین و ملک برای کشت مواد مخدر، هر نوع مساعدت با مجرمان مواد مخدر در تهیه وسایل زرع و حمل و نقل آن و تشویق نمودن دهاقین و صاحبان اراضی را به کشت نباتات مفید مانند زعفران، پنبه، هنگ، کنجد و... از نمونه‌های پیشگیری وضعی است که در حقوق جزای افغانستان بازتاب یافته است.

- (۱) اسعدی، سیدحسن (۱۳۸۸)، مواد مخدر و روان‌گردان در حقوق جنایی ملی و بین‌المللی. تهران: میزان.
- (۲) حبیبی، ضامن‌علی (۱۳۹۷)، سیاست جنای افغانستان در قبال مواد مخدر. فصلنامه کاتب، دوره ۱۰.
- (۳) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- (۴) رحمدل، منصور (۱۳۹۱)، حقوق کیفری مواد مخدر. تهران: نشر دادگستر.
- (۵) زراعت، عباس (۱۳۸۶)، حقوق کیفری مواد مخدر. تهران: ققنوس.
- (۶) سلمان‌پور، محمدجواد (۱۳۸۲)، مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر و جرائم مربوط به آن. مجله فقه اهل بیت، دوره ۳۵.
- (۷) صدیق، سروستانی (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی اجتماعی. چ ششم، تهران: سمت.
- (۸) صفاری، علی (۱۳۸۰)، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم. مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۳۳-۳۴.
- (۹) طویله، عبدالسلام عبدالوهاب (۱۹۸۶)، فقه الاشربه و حدها، حکم الاسلام فی المسکرات و المخدرات. بیروت: دارالسلام.
- (۱۰) علی‌زاده، حمیده (۱۳۹۳)، میزان انطباق جرم انگاری مواد مخدر در ایران با اسناد بین‌المللی. فصلنامه سلامت اجتماعی، دوره ۳.
- (۱۱) فیروزی، سیدمحمد (۱۴۰۱)، عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به مواد مخدر در بین جوانان شهر کابل. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۱۹.
- (۱۲) قانون مبارزه علیه مسکرات، مواد مخدر و کنترل آن (۱۳۸۹). شماره مسلسل (۱۰۲۵).
- (۱۳) قانون مبارزه علیه مواد مخدر (۱۳۹۶)، شماره مسلسل (۸۷۵).
- (۱۴) کود جزا (۱۳۹۶). نمبر مسلسل (۱۲۶۰).
- (۱۵) لطیفی، سیدحکیم (۱۳۹۶)، بررسی توصیفی جرائم مواد مخدر. تهران: جاودانه.
- (۱۶) محبوبی‌منش، حسن، (۱۳۸۲). اعتیاد مردان، تهدیدی علیه زن و خانواده. فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۶(۲۲).
- (۱۷) میرخلیلی، سیدمحمود (۱۳۸۳)، پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلامی. فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، ۱(۱).
- (۱۸) میرخلیلی، سیدمحمود (۱۳۸۸)، پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- (۱۹) میرعی صعب، محمد (۲۰۰۷)، جرائم المخدرات. بیروت: زین الحقوقیه.
- (۲۰) نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، مباحثی در علوم جنایی؛ تقریرات درس جرم‌شناسی مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد، مجموعه دو جلدی به کوشش بهرام ابراهیمی.
- (۲۱) نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰)، جواهر الکلام. چ ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

